



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



ادعای روتترز درباره سفر مهم اسماعیل قانّی به عراق

منابع ایرانی و عراقی متعدد به روتترز گفته‌اند که سفر فرمانده نیروی قدس ایران به بغداد منجر به توقف حملات به نیروهای آمریکایی توسط گروه‌های همسو با ایران در عراق شده و این نشانه‌ای است که تهران می‌خواهد از بروز یک درگیری گسترده‌تر جلوگیری کند. این منابع گفتند که اسماعیل قانّی در ۲۹ ژانویه با نمایندگان چندین گروه مسلح در فرودگاه بغداد دیدار کرد. این دیدار کمتر از ۴۸ ساعت پس از آن انجام شد که واشنگتن این گروه‌ها را مسئول کشته شدن سه سرباز آمریکایی به پایگاه بر ج ۲۲ در اردن دانست. قانّی به رهبران این گروه‌ها گفت که ریختن خون آمریکایی‌ها خطر واکنش شدید ایالات متحده را به همراه دارد. این منابع گفتند که قانّی به فرماندهان این گروه‌ها گفته که باید برای جلوگیری از حملات آمریکا به فرماندهان ارشد خود، نسبت به تخریب زیرساخت‌های کلیدی یا حتی انتقام‌جویی مستقیم آمریکا علیه ایران، خویشتن‌داری کنند. یکی از این گروه‌ها در ابتدا با درخواست قانّی موافقت نکرد اما اکثر گروه‌های دیگر موافقت کردند. روز بعد، گروه کتائب حزب‌الله در عراق اعلام کرد که حملاتش را تعلیق می‌کند. از ۴ فوریه تاکنون هیچ حمله‌ای به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه صورت نگرفته است. یکی از فرماندهان ارشد از گروه‌های مسلح عراقی وابسته به ایران گفته: «بدون مداخله مستقیم قانّی، متقاعد کردن کتائب حزب‌الله برای توقف عملیات نظامی خود برای کاهش تنش غیرممکن بود.» قانّی و نیروی قدس، بازوی سپاه پاسداران ایران که با گروه‌های مسلح متحد از لبنان تا یمن همکاری می‌کند، به درخواست‌ها برای اظهارنظر درباره این ماجرا پاسخ ندادند. کتائب حزب‌الله و یک گروه دیگر برای اظهارنظر در دسترس نیستند. کاخ سفید و پنتاگون نیز واکنشی نشان ندادند. سفر قانّی در رسانه‌های عراقی ذکر شده است، اما جزئیات پیام وی و تأثیر آن بر کاهش حملات گزارش نشده است. روتترز با سه مقام ایرانی، یک مقام ارشد امنیتی عراق، سه سیاستمدار شیعه عراقی، چهار منبع در گروه‌های مسلح عراقی مورد حمایت ایران و چهار دیپلمات متمرکز در عراق گفت‌وگو کرده است. پنج منبع گفتند که دولت بغداد، متحد تهران و واشنگتن، در تلاش است تا از تبدیل این کشور به میدان جنگ قدرت‌های خارجی جلوگیری کند و از ایران خواسته است تا پس از حمله به پایگاهی در اردن به مهار گروه‌ها کمک کند. فرهاد علاء‌الدین، مشاور امور خارجی سودانی در پاسخ به روتترز گفت: «محمدشیخ السودانی نخست‌وزیر عراق با همه طرف‌های مرتبط در داخل و خارج از عراق کار کرده و به آنها هشدار داده است که تشدید تنش «عراقی و منطقه‌ای» ثبات می‌کند.» چندین حزب و گروه مسلح همسو با ایران در عراق نیز گفت‌وگو را به جای حمله برای پایان دادن به حضور نیروهای آمریکایی ترجیح می‌دهند. واشنگتن تمایلی به مذاکره در مورد تغییر موضع نظامی خود نشان نداده است، زیرا نگران است که مذاکره ایران را جسور کند. ایالات متحده در حال حاضر حدود ۲۵۰۰ سرباز در عراق و ۹۰۰ سرباز در سوریه برای مأموریت مشاوره و کمک دارد. آنها بخشی از یک ائتلاف بین‌المللی هستند که در سال ۲۰۱۴ برای مبارزه با داعش، عمدتاً در غرب کشور و شرق سوریه مستقر شدند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا که از اظهارنظر درباره سفر قانّی به بغداد خودداری کرد، گفت که حضور ایالات متحده در عراق به «روابط امنیتی دو جانبه پایدار» تبدیل خواهد شد. ایالات متحده تأکید می‌کند که ایران کنترل بالایی بر نیروهای مورد حمایتش دارد. تهران می‌گوید که به متحدانش کمک مالی، مشاوره و آموزش داده است، اما آنها خودشان تصمیم می‌گیرند که عملیات را انجام دهند. یکی دیگر از مقامات آمریکایی، نقش ایران در کاهش حملات را تأیید کرد، اما گفت، روشن نیست که آیا این آرامش ادامه خواهد داشت یا خیر. حمله سال ۲۰۲۰ که طی آن سردار قاسم سلیمانی، رهبر سابق نیروی قدس در خارج از فرودگاه بغداد ترور شد، پس از حمله‌ای از سوی کتائب حزب‌الله انجام شد که طی آن یک پیمانکار آمریکایی کشته شد. ۹ منبع گفتند که تهران و بغداد هر دو می‌خواستند این بار از تشدید تنش مشابه اجتناب کنند. یک مقام عالی‌رتبه امنیتی در ایران گفت: دیدار فرمانده قانّی موفقیت‌آمیز بود، اما نه به‌طور کامل، زیرا همه گروه‌های عراقی به تنش‌زدایی رضایت ندادند. یک گروه کوچک‌تر اما بسیار فعال به نام نخبه‌ها گفت که به حملات خود ادامه خواهد داد، با این استدلال که نیروهای ایالات متحده فقط با زور آنجا را ترک خواهند کرد.

نگاه
تحلیلگر

عکس: AFP

تغییر تدبیر یجی لحن

تکوین گفتمانی مشروعیت بخش برای برخورد با ایران



سیر تطور اظهارات مقامات دولت بایدن درباره نقش ایران در تحولات اخیر خاورمیانه

تبیین منطق تغییر و تحول اظهارات مقامات دولت بایدن درباره ریشه‌های بحران اخیر در خاورمیانه، حاوی حقایقی مهم از تکوین یک استراتژی جدید در منطقه است؛ استراتژی‌ای که ضرورت و فوریت مواجهه با ایران را مهمترین عنصر قوام‌بخش ثبات در خاورمیانه می‌داند. در نخستین روزهای بحران غزه، مقامات آمریکایی و اسرائیلی با طرح این ادعا که ایران برای چندین دهه اصلی‌ترین حامی حماس بوده است، تهران را به شراکت مستقیم در این حملات متهم کردند؛ گرچه در تفسیری بر این ادعا بلافاصله تصریح کردند که هیچ اطلاعاتی درباره نقش مستقیم ایران در این حملات در اختیار ندارند. در ۹ اکتبر، وال استریت ژورنال در گزارشی مدعی شد، ایران برای انجام عملیات حماس «چراغ سبز» نشان داده است. براساس این گزارش، افسران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از ماه اوت با نیروهای حماس برای طراحی تهاجم هوایی، زمینی و دریایی تمرین کرده بودند. در ۱۰ اکتبر، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در اظهاراتی تصریح کرد، مقامات اطلاعاتی آمریکا در حال بررسی نقش ایران در حمله حماس به اسرائیل هستند. وی در گفت‌وگو با سی.ان.ان تأکید کرد که هیچ اطلاعاتی درباره نقش مستقیم یا حمایت ایران از حمله اخیر حماس به اسرائیل وجود ندارد. نه سازمان سیا و نه موساد درباره نقش مستقیم ایران در حمله اخیر هیچ شواهدی به‌دست نیاورده‌اند. در ادامه، ژنرال چارلز براون به مقامات ایران هشدار داد که در تحولات حادث مداخله‌ای نکنند: «می‌خواهیم پیامی قوی ارسال کنیم، نمی‌خواهیم منازعه گسترش یابد. ایران باید این پیام را به وضوح دریافت کند.» بایدن نیز در ۱۱ اکتبر با تکرار این هشدار از افزایش کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل خبر داد: «ما ناو آمریکایی را به مدیترانه شرقی منتقل و جت‌های جنگنده بیشتری را به منطقه اعزام خواهیم کرد و به ایرانی‌ها می‌گوییم که مراقب باشید.» بایدن در ادامه تأکید کرد: «صحبت از نقش مستقیم یا حمایت ایران در حملات اخیر زود است.»

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه دولت بایدن نیز باردیگر از حمایت طولانی ایران از حماس سخن به میان آورد: «ایران و حماس رابطه‌ای طولانی با یکدیگر دارند. واقع امر آن است که بدون حمایت‌های ایران در اصل حماس نمی‌توانست وجود داشته باشد. با وجود

تحولات ممکن است گزینه‌های دیگری را پیش‌روی دولت بایدن قرار دهد. صرف‌نظر از کوشش‌های توقف‌ناپذیر اسرائیل برای کشتاندن پای آمریکا به جنگی در منطقه، عرصه سیاست داخلی آمریکا نیز در مسیر تشدید تنش و بحران آفرینی قرار دارد. سیر تطور اظهارات مقامات دولت بایدن در تبیین سرشت و مسیر تحولات خاورمیانه پس از ۷ اکتبر، گویای تغییری تدریجی در معرفی نقش ایران در این تحولات است. به نظر می‌رسد با گذر زمان و طولانی‌تر شدن مدت بحران، اتهامات به ایران نیز تغییر می‌کنند. این تغییر لحن از تحولاتی خطرآفرین حکایت دارد. گرچه می‌توان به درایت و هوشیاری رهبران برای تغییر مسیر تحولات امید بست اما این امیدواری نباید سیاستمداران را از پیامدهای شکل‌گیری یک فضای گفتمانی جدید و تنش‌آفرین غافل سازد. تکوین گفتمانی که در آن جمهوری اسلامی ایران در مقام عامل اصلی بحران‌ها معرفی شود، دامی است که اسرائیل مدت‌ها در پی درانداختن آن است. باید دید دولت بایدن تا چه حد هوشیار است تا در بند این دام گرفتار نشود. شاید در اینجا به کلام توماس فریدمن، سن و تجربه بایدن یک امتیاز باشد. تجربه جنگ‌های اخیر آمریکا در منطقه گویای آن است که کوشش برای تکوین یک گفتمان مشروعیت‌بخش که در آن اقدام نظامی نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت تلقی شود، از مهمترین زمینه‌های ورود آمریکا به جنگ بوده است. به نظر می‌رسد عرصه سیاست داخلی آمریکا و کوشش‌های اسرائیل در منطقه در مسیر فراهم کردن بستری گفتمانی برای توجیه و حتی فراتر از آن ضرورت اقدامی نظامی علیه ایران است. امنیت‌سازی از سیاست خارجی ایران که در آن رفتارهای تهران در مقام اصلی‌ترین منبع بحران در خاورمیانه معرفی شود، هدف نهایی این گفتمان است. بی‌تردید تکوین و نهادینه‌شدن چنین گفتمانی می‌تواند پیامدهایی سترگ برای خاورمیانه و منافع امنیتی ایران داشته باشد. با نظر به اهمیت چنین احتمالی در این گزارش، بر آنیم تا با نگاهی به سیر تحول اظهارات و ارزیابی‌های مقامات آمریکایی از علل بحران اخیر در خاورمیانه، چگونگی کوشش برای معرفی ایران به‌عنوان منبع اصلی بحران را بررسی و به پیامدها و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران بپردازیم. جامع جمیع حوادث و سیر تطور اظهارات مقامات آمریکا درباره بحران خاورمیانه، گویای شکل‌گیری برهه‌ای جدید در سیاست خارجی آمریکا در منطقه است که التفات به آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه این تحول را با تمهید و تفصیل بیشتری بررسی خواهیم کرد.

سیر تطور اظهارات مقامات دولت بایدن در تبیین سرشت و مسیر تحولات خاورمیانه پس از ۷ اکتبر، گویای تغییری تدریجی در معرفی نقش ایران در این تحولات است. این تغییر لحن از تحولات خطرآفرین حکایت دارد



مجید محمدشریفی
استادیار بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

خاورمیانه دورانی پر تنش را تجربه می‌کند. شتاب تحولات پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آنچنان سریع و توقف‌ناپذیر بوده که بسیاری از سیاستمداران و تحلیل‌گران را به حیرت افکنده است. اکنون در پس تمامی اظهارات و سخنان مقامات کشورها و تأکید بر عدم تمایل هیچ کشوری برای آغاز جنگ در منطقه، بسیاری نگران وقوع برخورد نظامی تمام‌عیار در خاورمیانه هستند. این امر از آنجایی اهمیت بیشتری می‌یابد که به یاد داشته باشیم تمامی جنگ‌های بزرگ بدون تمایل برای وقوع آن‌ها، رخ داده‌اند. رهبران اروپایی در جنگ جهانی اول و دوم هیچ‌کدام جنگی بزرگ را نمی‌خواستند، اما با دلگرمی به همین عدم تمایل، بزرگترین فجایع قرن را رقم زدند.

اکنون نیز در خاورمیانه هیچ‌کس خواستار جنگی بزرگ نیست (البته شاید به استثناء اسرائیل). نه آمریکا، نه ایران و نه هیچ‌یک از کشورهای منطقه سودای ورود به جنگ را ندارند اما شوربختانه باید پذیرفت که شتاب تحولات، مسیر روشنی را نوید نمی‌دهند. گام‌های هر دو طرف منازعه، شبح جنگ را در افق منطقه پدیدار کرده است و در این بین تنها می‌توان به عقلانیت رهبران و اجتناب از هرگونه سوءبرداشت یا محاسبه نادرست امید داشت. خاورمیانه آنچنان در تب تنش می‌سوزد که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا شرایط کنونی این منطقه را خطرناک‌ترین دوران پس از سال ۱۹۷۳ می‌داند: «می‌توانم استدلال کنم که دست‌کم از سال ۱۹۷۳ و حتی پیش از آن وضعیتی به خطرناکی آنچه امروز در سراسر خاورمیانه با آن روبه‌رو هستیم، ندیده‌ام.» این فقره گویای حقیقتی آشکار در منطقه است؛ بحرانی فراگیر که در زهدان آن هر دم جنگی بزرگ در شرف زاده‌شدن است. گرچه منافع استراتژیک آمریکا اجتناب از ورود به بحرانی جدید در خاورمیانه را به ضرورتی گریزناپذیر تبدیل کرده است اما تأملی در اظهارات مقامات دولت بایدن و همچنین عرصه سیاسی داخلی آمریکا گویای تغییری تدریجی در سبب کلام نخبگان آمریکایی در مواجهه با ایران است. گرچه در مجموع آمریکا بر دوری از هرگونه رویارویی نظامی مستقیمی با ایران تأکید می‌کند اما به نظر می‌رسد مسیر